

نہایت
جشنہا و ایہ لذتیں
امروز

تالیف : منصورہ میرفتاح





جشنها و آیین های ایرانی از دیروز تا امروز



تألیف : منصوره میرفتاح

کلیه امور مربوط به پژوهش-گردآوری و تألیف این اثر توسط مؤلف در هیئت تحریریه نشر محمد صورت گرفته است. طراحی، امور رایانه، اسکن تصاویر، ویرایش، تصحیح، نظارت بر مراحل آمادگی کتاب: تألیف نشر محمد تصویرگر : استاد مهران یوسفی

در فرآیند تولید با همکاری : فریبا کاظمی، میثم عرب عامری
در پروژه فروش با همکاری : منصور برات، حامد مجدباہوش، افشین عزیزی، بابک دارآفرین
و دیگر دوستانی که زحمتهای قابل تقدیر است.

به سرپرستی مدیران: حمیدرضا و سعید عالمگیر تهرانی

مدیر روابط عمومی : مرضیه عسگری منفرد

به کوشش استاد محمد عالمگیر تهرانی

تعداد صفحات: ۵۰۰ (۸ صفحه رنگی)

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۶-۱۳۶-۵

لینک: <http://www.iranica.com>

سال انتشار: ۱۳۸۹

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

صحافی: شهرزاد چاپ: رامیلا

قطع: وزیری

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۹

[یا همکاری انتشارات عالمگیر]

دفتر فروش: ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پلاک ۱۷

تلفکس: ۳۳۹۵۹۰۲۵-۳۳۹۵۸۷۷۹-۳۳۱۱۹۹۲۹-۳۳۹۳۳۸۴۹

دفتر مرکزی: هفت تیر، خیابان غفاری، پلاک ۱۲، طبقه سوم

تلفن: ۸۸۳۰۹۷۵۷ دورنگار: ۸۸۱۱۳۸۱

سرشناسه	میرفتاح، منصوره، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	جشن ها و آیین های ایرانی از دیروز تا امروز / مؤلف منصوره میرفتاح
مشخصات نشر:	تهران : محمد، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	ص: ۴۹۲.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۳۶-۱۳۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۴۷۹] - ۴۹۲.
موضوع	جشن ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	سوگواری ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
رده بندی کنگره	۱۳۸۸ ۹۳/۲ GT4۸۷۴
رده بندی دیویی	۲۹۴/۲۶۹۵۵

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر و محفوظ می باشد

الهی نیازم تویی

[خدایا تو عشق را آفریدی و شادی را به نیک اندیشان و نیکوکاران هدیه فرمودی!]

خداوندا، سوگ را تو خلق کردی تا رنج دیدگان آرامش و التیام یابند. و گاه در نزد خدا جویان خردمند، شادی و غم را قرار دادی تا به بالندگی و ارتقا، فکری دست یافته و از غرور و خود خواهی در هنگام پیروزی ها دوری گزینند و نیز صبوری و متانت خود را در مواجهه با شکست ها از دست ندهند.]

کتاب حاضر کاوشی بسیار دقیق در پیشینه ی ایرانیان و مراسم و آیین های ملی، مذهبی، جشن ها، سوگواریها و ... می باشد که در محور دو دوران «قبل از اسلام» و «بعد از اسلام و پذیرش تشیع» مورد بررسی قرار گرفته است.

شایسته گان جهان، به خصوص مردم ایران زمین، این سرزمین اهورایی، شادی و سرور را از بدو تاریخ کهن خویش به نظم و ترتیب در آورده و بسیاری از آیین ها را در راستای باور مذهبی خود گرمی داشتند و چنان که در می یابیم هنوز شور و شوق و هیجانات ملی، قومی و مذهبی در میان ایرانیان رایج است و هنوز هم مطابق دیروز اندیشه ی شادی و حتی سوگ را به فرصت دریافت های درونی تبدیل می کنند. این چنین است که تبار خود را در طول تاریخ، عزیز و گرانبه داشته و از شکستها، پیروزی و از رنج ها، شادی پدید آورده اند و به مناسبت جشن نوروز که رستاخیز عظیم طبیعت است در ایران از دیرباز جشن بزرگ باستانی با شکوه برگزار میگردیده و در تمامی دوران تاریخ این سرزمین جاویدان آیین بزرگداشت این روز باروری زمین گرمی داشته می شده و هم اکنون نیز برجسته ترین عید ایرانیان نوروز است که پاینده خواهد ماند و سده، مهرگان، چهارشنبه سوری و سوگ سیاوش و مراسمی که در پیش از اسلام و عید قربان، غدیر، میث، نیمه شعبان و نیز سوگواریهای ایام خاص پس از حضور اسلام در ایران و رواج تشیع نمونه های بارز باورمداری ایرانی است.

ایرانیان، این مراسم ها را آنچنان پر شکوه و تحسین برانگیز برگزار می کنند که به حق درس های زندگی در آیین های اجرایی آن ها موج می زند و انسان را در راستای تحولی سگرف در اندیشه و عمل دگرگون می نماید.

برای نمونه می توان گفت که ایرانیان مسلمان جشن عید فطر را در هر شهر و روستا بسیار گسترده و باشکوه برگزار کرده و همگان در این جشن شرکت می جویند تا پیروزی خویش را در جدال با نفس سرکش و هوس پرداز در نمازی عاشقانه که با قنوتی عارفانه و سجده هایی عاجزانه به درگاه پروردگار یگانه همراه است به شکر بایستد و این حرکت نوعی خودسازی در راه رسیدن به کمال است.

نیز چنین است در آیین های سوگ که به شیوه ای باشکوه و عظیم، حضور گسترده ی مردم مشاهده می شود و بسیار تحسین برانگیز است.

در مراسم سوگ محرم و عاشورا... دسته جات عظیم عزاداری با حضور خیل بسیج شده مردم، نشانگر نظمی نیکو و درسی شگرف است. چنان که هیچ به مراسم سوگ نمی ماند بلکه آموزش آزادی و صلابت و شرف می باشد و اشعار محزون اما حماسی آن پشت دشمن را خرد می کند و ملت اسلامی را یکپارچه و متحد می سازد.

و این چنین است صد ها مراسم آیینی دیگر که در این مجموعه گرد آوری شده است. سعی ما در مؤسسه انتشاراتی محمد ارثه نمایی از ریشه های اصیل ایرانی بوده است، بدین معنی که امیدواریم نگاه شما به این اثر باعث ژرف نگری و پیدایش بصیرت باشد و امیدواریم توانسته باشیم اندکی از حق مطلب را ادا کرده باشیم و انتظار یاری و همراهی شما عزیزان بزرگوار را برای پر بار کردن مطالب این کتاب در چاپهای بعدی داریم.

و اما همکاران ما در به ثمر رسیدن این کتاب فاخر از قرار ذیل می باشند:

مدیران: حمیدرضا و سعید عالمگیر تهرانی که تمام امکانات را فراهم نموده و کارگردانی آن را در حوزه ی نشر و پخش به عهده داشته اند.

گردآوری، تألیف، پژوهش: سرکار خانم منصوره میرفتاح که شایسته تقدیر می باشند. امور هنری و رایانه: جناب استاد مهران یوسفی، میثم عرب عامری و سرکار خانم فریبا کاظمی.

با درود بر عاشق الهی

محمد عالمگیر تهرانی

۹۷ جشن عاشوریه

۹۹

دیگان

- ۱۰۰ «روزهای پروردگار»
 ۱۰۱ «خرم روز»
 ۱۰۲ «جشن دیگان»
 ۱۰۳ «جشن نیکان»
 ۱۰۴ «دی به دین»
 ۱۰۵ «ضمیمه دی ماه»
 ۱۰۶ «بازار»
 ۱۰۶ «سیر سور»
 ۱۰۷ «در امزینان»

۱۰۹

بهنگان

- ۱۱۲ «جشن سده»
 ۱۱۷ «ضمیمه بهمن ماه»
 ۱۱۸ «نوسده»
 ۱۱۸ «پیر شالیار»
 ۱۱۹ «طوبی شباط»
 ۱۱۹ «بهار کردی - میانه زمستان»
 ۱۲۰ «بادروزی»
 ۱۲۰ «تیر اندازاج»
 ۱۲۱ «آفریجگان»

۱۲۳

اسفندارگان

- ۱۲۹ «در آمدی بر چارشنبه سوری»
 ۱۳۲ «چارشنبه سوری»
 ۱۳۶ «آیین اجرایی چار شنبه سوری»
 «اجرایی مراسم چارشنبه سوری در سرزمین -
 های پارسی»
 ۱۳۸ «ضمیمه اسفند ماه»
 ۱۴۱ «آبسالان»
 ۱۴۲ «وخشنگام»
 ۱۴۲ «نوروز روده‌ها»
 ۱۴۳ «جشن گلدان»
 ۱۴۳ «فروردگان»
 ۱۴۳ «اوشیدر جشن»

۱۴۵

فروردگان

- ۱ مقدمه
 ۷ پیدایش افکار مذهبی
 ۱۲ آداب و عادات پارسیان

۱۷

مهرگان

- ۱۸ «کیش مهر»
 ۲۲ «جشن مهرگان»
 ۳۰ «شهرت مهر در سایر ممالک»
 ۳۳ «معبد مهر»
 ۳۵ «ورزش باستانی، شیوه ای از ادب مهری»
 ۳۹ «عید قربان و ریشه های مهری - عبری»
 ۴۹ «گاه شماری مهر»
 ۵۲ «موسیقی مهرگانی»
 ۵۲ «مهرگان امروز»
 ۵۷ «ضمیمه مهر ماه»
 ۵۸ «جشن روش هسانا»
 ۵۹ «جشن کاشت»
 ۵۹ «جشن تیرگان سوم»
 ۵۹ «سو کورت یا عید سایبان ها»
 ۶۱ «هوشناتیا»
 ۶۱ «جشن رام روزی»
 ۶۱ «شمینی عصرت»
 ۶۱ «سیمحانور»
 ۶۲ «عید مترجمان مقدس»
 ۶۲ «عید فل»

۶۳

آبانگان

- ۶۴ «آناهیتا»
 ۷۱ «ضمیمه آبان ماه»
 ۷۲ «تیرماسیزه شو»
 ۷۲ «دهواختیا»
 ۷۲ «بابیزانه»
 ۷۳ «گالشی جشن»

۷۵

آذرگان

- ۸۱ «شب یلدا»
 ۸۲ «یلاد مهر مسیح»
 ۸۶ «تاریخچه درخت کریسمس»
 ۹۱ «ضمیمه آذر ماه»
 ۹۲ «کوسه برنشین»
 ۹۷ «آذر جشن»

۲۱۷	«ضمیمه امرداد ماه»
۲۱۸	«دهواربا»
	در باور منداپی ها این روز، روز بخشیده شدن گناهان حضرت آدم است
۲۱۸	«سال نو طبری»
۲۱۹	«عید واردآوار»
۲۲۱	«عید تادئوس»
۲۲۳	«عید جله تابستان»
۲۲۴	«عید فندق»
۲۲۴	«عید میانه تابستان»
۲۲۵	«عید میانه تابستان»
۲۲۵	«وزیارت پیر نارکی»
۲۲۶	«سال نو دیلمی»
۲۲۶	«عید می خواره»
۲۲۷	«عروج مریم عذراء»
	«همان گونه که انگور ذره ای فساد را تحمل نمی کند، من هم نمی کنم»
۲۲۸	«عید خاچوراتس»

۲۲۹

شهریگان

۲۳۳	«ضمیمه شهریور ماه»
۲۳۴	«عید فغدی»
۲۳۴	«عید کشمین»
۲۳۴	«عید خزان»
۲۳۵	«عید بازار»
۲۳۵	«روز بزرگداشت سالخوردگان»
۲۳۶	«گاهنبار پنه شهیمگاه»
۲۳۶	«عید انار»
۲۳۶	«عید پایان تابستان»

۲۳۷

اسوه های اساطیری

۲۴۳	«هفته وحدت»
۲۴۴	«بعثت رسول اکرم (ص)»
۲۴۸	«عید فطر»
۲۵۳	«میلاد حضرت علی (ع)»
۲۵۵	«میلاد بانوی آینه و آفتاب»
۲۵۷	«پیوند آسمانی»
۲۶۲	«عید غدیر خم»
۲۶۶	«مهدی موعود»
۲۷۵	«ضمیمه اعیاد اسلامی»
۲۸۱	«آیین آندیشه»

آیین نیایش

۱۴۶	«نوروز آریایی»
۱۵۷	«حاجی فیروز»
۱۶۰	«نوروز جمشیدی در دربار باستان»
۱۶۵	«عید سیزده بدر»
۱۶۹	«فروردینگان»
۱۷۱	«ضمیمه فروردین ماه»
۱۷۲	«روز امید»
۱۷۳	«وزیارت پیر هریشت»
۱۷۴	«آبان روز»
۱۷۴	«سروشگان»
۱۷۵	«نیایش شاه وهرام»

۱۷۷

اردی بهشتگان

۱۸۰	«گاهنبار میدیوزرم»
۱۸۳	«ضمیمه اردی بهشت ماه»
۱۸۴	«چلمو»
۱۸۴	«پنجاه بدر»

۱۸۷

خوردادگان

۱۹۱	«ضمیمه خردادماه»
۱۹۲	«عید ارغاسوان»
۱۹۳	«عید عروج حضرت عیسی مسیح (ع)»
۱۹۳	«عید هشاووعوت»
۱۹۴	«عید بنظیکاست»
۱۹۴	«وزیارت متی پیر و پیر سبز»
۱۹۵	«عید ماه»
۱۹۶	«پایان بهار»

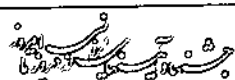
۱۹۷

تیرگان

۲۰۵	«ضمیمه تیر ماه»
۲۰۶	«آغاز تابستان»
۲۰۸	«نیایش پیر نارستانه»
۲۰۹	«عید نیلوفر»
۲۰۹	«گاهنبار میدیو شهیم گاه»
۲۱۰	«عید خام خواری»
۲۱۰	«وزیارت پارس بانو»
۲۱۱	«عید نو سردایل»
۲۱۱	«آتش افروزی و کشتی لوچو»

۲۱۳

امردادگان



۳۶۴	جشن ازدواج ترکمن ها
۳۷۰	لباس عروس ترکمن
۳۷۰	ازدواج در سیستان و بلوچستان
۳۷۹	لباس کامل عروسی بلوچ
۳۸۱	جشن عروسی در ایل بختیاری
۳۸۲	جشن عروسی در ایل کلهر
۳۸۵	باگشایی
۳۸۵	لباس عروس کلهر
۳۸۵	جشن عروسی لران در الیگودرز
۳۸۵	جشن عروسی در بین صابین مندایی

۳۸۹

آیین سوگ

۳۹۳	آیین سوگ در ایران باستان
۴۰۰	آیین سوگ در ایران اسلامی
۴۰۱	از جان کندن تا مردن
۴۰۲	مرگ
۴۰۴	برداشتن مرده
۴۰۵	شستشوی مرده در خانه
۴۰۷	نماز وحشت
۴۰۸	ختم مردانه
۴۰۹	ختم زنانه
۴۱۱	چله مرده
۴۱۱	بازدید پس دادن
۴۱۱	شب سال مرده
۴۱۱	سیاه پوشیدن و سیاه کندن
۴۱۲	نخستین عبد سوگواری
۴۱۳	جواتمرگ
۴۱۴	خیرات
۴۱۵	سوگواری های ملی - مذهبی
۴۱۵	سوگ سیاوش
۴۲۰	شهیدان حسینی تا شهیدان خمینی (ره)
۴۲۰	خلاصی از زندگانی و شهادت امام حسین (ع)
۴۲۵	آیین های محرم در ندوشن یزد
۴۲۸	آیین های محرم در بندرعباس
۴۳۰	آیین های محرم در خوزستان
۴۳۲	محرم در بهمان
۴۳۴	آیین های محرم در میان ترکمن های اهل تسنن
۴۳۶	محرم در خراسان
۴۳۷	محرم در تهران
۴۴۰	شیبه خوانی
۴۴۳	ضمیمه آیین سوگ
۴۴۴	لباس شیبه خوانان
۴۴۷	متن تعزیه حر
۴۷۸	آیین ایرانی در آیین ی جهانی
۴۷۹	فهرست منابع

۲۹۰	آتش داماج کماج
۲۹۳	سفره حضرت ابوالفضل
۲۹۷	قصه سفره حضرت ابوالفضل
۳۰۳	سفره فاطمه زهرا (س)
۳۰۳	سفره بی بی سه شنبه
۳۰۵	ختم امیر المؤمنین
۳۰۶	قصه مشکل گشا
۳۰۹	آجیل مشکل گشا
۳۱۴	سمو پزان
۳۱۴	فال سمو
۳۱۶	طلب نیاز به حرمت نان و نمک
۳۱۷	ضمیمه آیین نیایش

۳۲۱

آیین بلوغ

۳۲۳	سدره پوشی
۳۲۹	جشن تکلیف
۳۳۰	جشن عبادت
۳۳۲	وضو
۳۳۳	نماز
۳۳۴	بسم الله

۳۳۵

آیین ازدواج

۳۳۶	زناشویی در ایران باستان
۳۳۸	پادشاه زن
۳۳۹	چاکر زن
۳۴۰	ایوک زن
۳۴۰	ستر زن
۳۴۰	خود رای زن
۳۴۱	خواستگاری
۳۴۲	نامزدی
۳۴۲	پیوند زناشویی
۳۴۶	مراسم امروزی ازدواج در میان زرتشتیان
۳۴۸	پالانداز (باگشایی)
۳۴۹	پانتختی
۳۵۱	مراسم ازدواج در ایران پس از اسلام
۳۵۱	آداب و تشریفات زناشویی
۳۵۱	آداب عقد
۳۵۳	عروسی
۳۵۴	ازدواج در خراسان
۳۶۲	سلام مادر زن و پانتختی
۳۶۲	باگشایی
۳۶۲	آیین سنتی عروسی در کردستان
۳۶۳	ازدواج در بین ترکمن ها

در روشنی چشم تو آغاز می‌شود
صبح سپید حادثه‌های سلام ما

از هر طایفه و تبار که برخاسته‌ای و از هر جای عالم که علم شده باشی، لحظه‌ای
روشنایی آفتاب را دریافته‌ای و حداقل دقایقی را در نور به سر برده‌ای. شاید گاهی
می‌گریزی و در سایه‌های تاریک پنهان می‌شوی؛ اما بخواهی یا نخواهی، عنایت خورشید بر
عالم گسترده است و حضرت خورشید در شأن خویش می‌تابد و عالم را در نور مطلق
روشن می‌سازد.

حضرت بیدل می‌فرماید:

در عالم نوازش مطلق کجاست، رد بخشیده است بر همه خود را کریم ما
آفتاب همواره می‌تابد و این زمین است که تاب همارگی نور را ندارد و نمی‌تواند در جای
خویش استوار بایستد، پس می‌چرخد و ساعاتی در سایه مسکن می‌گیرد اما عنایت
خورشید حتی در همان ساعات از چشم مهتاب نگاهبان خطرات زمین است.
خطرات زمین همان درونیات زمینیان است که خواه ناخواه به مبدایی نورانی متمایل
است. همواره کسی در درون ما فریاد می‌زند که مرا دریابید و ما حتی اگر هنر یافتن خود
را داشته باشیم در دریافت خویشتن خویش ناتوانیم.

در واقع ممکن است خویش را بیاییم اما کرامت است اگر خویشتن یافته را دریاییم. ما در خور شأن وجودی مان به جهان می‌نگریم و آفریننده‌ی آفتاب که نور آسمان‌ها و زمین است^۱ در خور شأن خویش.

وجودی که از او موجود شده‌ایم آنچنان دامن جود گسترده که خوان عنایتش عالمی را اطماع می‌کند. این است که حتی اگر نیاموزی کسی هست که تو را هست نموده؛ می‌شناسی اش و هرگاه شانه غم زلف دلت را می‌شکند در نسیم حضور او پریشان می‌شوی.

هرگاه در چاه وجود خویش تنیدی مراقب باش چرا که هر چاهی به آب نمی‌رسد. از بزرگی شنیدم کسانی که در خوابند با تلنگری هرچند ناچیز بیدار می‌شوند. مانند حبابی که هوای زیر پوستش را به باد می‌دهد و به دریا می‌پیوندد اما کسانی که خود را به خواب زده‌اند، با هیچ تلاشی سر از بالین خاک بر نمی‌دارند. آنان که حق را به زبان تمثیل حکایت می‌کنند گفته‌اند:

«حضرت حق در بارگاه الوهیت با اقتدار به زمین می‌نگریست و هر از گاهی مَلَکی را فرا می‌خواند تا نیاز بندگانش را پاسخ دهد. ملکی که هر روز و هر ساعت مسئول اجابت نیاز یکی از بندگان بود بر آن شد تا دریابد این بنده کیست که حضرت حق لحظه‌ای از اجابت دعای او فرو نمی‌گذارد! آرام در زمین فرود آمد و هر چه دیر و کنشت و مسجد و معبد بود جست و جو کرد، او را نیافت. به خدمت حضرت حق شرفیاب شد و پرسید: بارالها آن که هر روز به دیده عنایت، خوان رحمت بر او می‌گستری کیست که هر چه دعا می‌کند به اجابت می‌رسد؟!»

حق تعالی دیده معنی بر او گشود و بنده‌ای را در بته‌های نمایان ساخت که دائم از روی صدق بر بت خود سجده می‌کرد و طلب نیاز می‌نمود.

مَلَک پرسید: بارالها او که تو را عبادت نمی‌کند و نیازش را از بت خویش می‌طلبد، پس چگونه است که تو حاجتش را بر می‌آوری؟!

حق تعالی فرمود: او در مصداق اشتباه کرده است و در واقع نیازش را از خدای خویش می‌طلبد. خدای او منم، او مرا نمی‌شناسد من که او را می‌شناسم، او به رسم بندگی جایز الخطاست اما خطا و اشتباه به درگاه ما راهی ندارد. «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»^{۱۳۰-۱۳۱} چنین است که خوان رحمت و اسعه بر عالم همواره گسترده است و ما بیش از نصیب فکر خویش می‌بریم و نان بندگی خویش می‌خوریم. چرا که هر چه ما بنده‌ایم، خداوند خداوند است بزرگ و بلند مرتبه!

دنیای مادی ما بسیار باشکوه و شریف است چرا که گذرگاه توشه اندوزی سرای اخروی است. می‌گویند این دنیا در قبال آخرت مثل رحم مادر است به دنیای بیرون آن. یعنی این سرای نسبت به سرای ابدی بسیار کوچک و تاریک است و سرای دیگر گسترده و روشن. آموزه‌های ملی و دینی ما واژه به واژه به تکریم دنیا پرداخته و از آن به عنوان فرصتی عظیم یاد کرده‌اند تا سعادت اخروی نصیب آید. «ان شاء الله»

پیرامون ما، شادی و غم، سرور و سوگ، بال و وبال و محال و مجال را توأمان می‌دهند. آدمی اگر قدرت دریافت بیابد از همه این‌ها به عنوان مواهب الهی در جهت رسیدن به اندیشه‌ای حق شناس بهره می‌گیرد.

به عیش خاصیت شیشه‌های می، داریم که خنده بر لب ما قاه قاه می‌گیرد دفتر حاضر مجالی است تا با بررسی اندیشه‌های دیروزین و امروزین بشر با نگاهی تازه به میراث فکر، روبه سوی مقصدی روشن رهسپار شویم.

در این مجال در می‌یابیم که همواره مذهب و ایمان به نیرویی درونی و ساحتی روشن در وجود آدمی، اساس بسیاری از رفتارهای بشری بوده است. انسان دیروزین بسته به ساحت اندیشه خویش در جهت وجودی مبدأ فریاد درونی‌اش حرکت کرده تا به امروز رسیده است.

در این مسیر غم را به گونه‌ای و شادی را به گونه‌ای یافته و از هر یک به عرفانی خاص و منحصر رسیده است. عرفان وجودی هر انسانی مانند اثر انگشت در انحصار خود اوست.

می‌گویند به تعداد تمام انسان‌های موجود در زمین برای رسیدن به حقیقت مسیری

تعریف شده است و هر کس با نگاهی خاص در این مسیر حرکت می‌کند. پس با این وجود، آدمی موجودی گرامی است که با دلی روشن رهسپار مسیری پرحادثه است. پس می‌بایست چشم بگشاید تا در غایت راه نور را بیابد که اگر نیابد ره به نا کجا می‌برد. شنیده‌ایم که بهشت هشت راه و جهنم هفت راه دارد، به واقع معنی، آن است که انسان از راه دل به بهشت می‌رود اما به جهنم نه! حکایت از این قرار است:

«زمانی که شیطان در نتیجه سجده نکردن به آدم از درگاه باری تعالی رانده شد از حضرت حق خواست تا به پاداش طاعات دیرین، او را بر این وجود نوموجود، احاطه دهد. حضرت حق خطاب به شیطان فرمود:

جسم این موجود از آن تو و جان او از آن من. تو را بر جسم آدم، توان تسلط می‌دهم اما دل او در انحصار من است چرا که وجود خویش را در آن دمیده‌ام.

پس دل آدمی که همان فطرت پاک و متعالی است از دسترس شیطان مصون ماند، چنین است که فرومایه‌ترین انسان‌ها نیز در اعماق وجودشان از گناه آرام نمی‌یابند. اما به دلیل عصیان بسیار روی بازگشت به خویش را ندارند.

به هر تقدیر دنیای مادی موهبتی است الهی که در آن هر حضوری تا به کمال برسد بسیار مقصور است. اگر بتواند گام به گام قصورش را به حضور برساند مو به مو، حضرت خویش را دریافته است.

عین حضور می‌شود هر چه ظهور می‌کنم

با تو تمام بودنم نکته به نکته مو به موست
پس هر ظهوری، حضور است که البته در قصورهایی خودآگاه یا ناخودآگاه تنیده. با این اوصاف خود را بایست مو به مو و نکته به نکته دریافت چرا که هزار نکته باریکتر از مو اینجاست. چنانکه سخن رفت نگاه هر انسانی در عرفانی فردی تجلی می‌یابد. پس حتی یک انسان عادی که در کوچه و بازار پی لقمه‌ای نان لایه‌های زیرین زمین را جست و جو می‌کند نیز عارف است منتهی در درجاتی خاص.

خیالات هنگامه هست و بود به اندازه علم، دارد شهود

آدمی هر گونه که خود را بیابد خداوند خویش را یافته و هر قدر ساحت خویش را

گرامی بدارد حضور خداوندش مبارک است. مسئله اساسی این است که انسان فطرتاً به نوای درونی خود مؤمن است و می‌توان گفت خداجویی، ذاتی است و دین، اکتسابی. انسان خداجو در محیط به دین در می‌آید و این تأثیرپذیری در شرایط خاص و متنوع متفاوت است. اما مسئله غیرقابل انکار، وجود حضرت حق در ساحتی نزدیک‌تر از رگ گردن به انسان است.

همانگونه که پیش‌تر نیز سخن رفت نوع نگرش انسان‌ها به دین و شیوه پاسخگویی به ندای درون در میان طوایف مختلف رفتارهای خاصی را برای جوامع رقم زده است. در هر جامعه‌ای بر اساس نوع نگرش به مسئله دین، رفتارهایی بروز کرده که از آن با عنوان آیین یاد می‌کنند. نفس تمام آیین‌های بشری با نوعی شادی آمیخته است که حاصل خرسندی بر خورداری از مواهب دنیا می‌باشد.

در این دفتر برآنیم تا با معرفی و بررسی رفتارهای مذهب‌گرای مردم در جامعه ایرانی دیروز و امروز اندکی اندیشه دینی مردم ایران را در بررسی ریشه‌ها بهتر و روشن‌تر بشناسیم.

با برخاستن جرقه‌ی کم‌سویی از موضوع و طرح اولیه اثر حاضر در اندیشه‌ی گروه نشر و بخش انتشارات محمد که با کاوش و کنکاش در نیاز فکری اجتماع رخ داد، مدیران فرهیخته این مؤسسه که همواره در جهت اعتلای فرهنگ جامعه کوشیده‌اند، با استقبالی شگرف از محور موضوعی طرح، زوایای قابل بررسی متن را مورد بحث قرار داده و سپس منابع مورد نیاز را جهت نگارش اثر حاضر فراهم نمودند تا بستری جهت اشاعه‌ی فرهنگ دین‌شناختی و ارائه‌ی جوهره‌ی روشن و فرح‌بخش دین فراهم آید که به حمد الهی با عنایت خداوند و عزم استوار استاد محمد عالمگیر تهرانی و فرزندان نیک سیرتشان، آقایان حمید رضا و سعید عالمگیر تهرانی در نشر این اثر، انگیزه‌ی به انجام رسانیدن دفتر حاضر در اندیشه‌ی این قلم به دست تازه نفس رونق یافت. لذا در مسیر نگارش از قداست فکر و صلابت معرفت استاد مهری‌اتم، ادیب فرهیخته جناب محمدعلی معلم دامغانی، محسوس و نامحسوس بهره‌بردم و تا پایان جهان و امدار ایشان و انتشارات مبارک پی محمد می‌باشم.

منصوره میرفتاح

باشد که حق نعمت گزارم.

بهار ۱۳۸۹